



جایگاه کتابخانه‌های آموزشی در نظام جدید
آموزش و پرورش

نوشته علیرضا بهمن آبادی^۱

چکیده: به دلیل نارسایی در نظام آموزشی فعلی کشور، کتابخانه‌های آموزشگاهی جایگاه درخوری نداشته و غالباً به عنوان یک پدیده جنبی نگریسته می‌شوند. انتظار می‌رود با تدوین و اجرای طرح جدید، کتابخانه‌های آموزشگاهی نقش واقعی خود را بازیافته و در روند آموزش و پرورش دانش‌آموزان سهم بسزا ایفا کنند. برای سنجش این انتظار «طرح کلیات نظام جدید آموزش و پرورش» مورد نقد و بررسی قرار گرفته و این نتیجه حاصل شده است که در طرح جدید اصولی وجود دارد که برای تحقق یافتن آنها حضور کتابخانه‌های آموزشگاهی امری ضروری به نظر می‌رسد. این اصول عبارتند از توجه به امر تحقیق، توجه به تعلیم و تربیت مستمر، روش تدریس و نقش معلم و کتابهای درسی. با این حال در طرح نشانهای دال بر توجه اصولی و علمی به این کتابخانه‌ها به چشم نمی‌خورد و نکات اندکی که در این رابطه ذکر شده است متضمن نگرشی دقیق و همجانیه نمی‌باشد. از طرفی برای بیان بعضی از وظایفی که قاعدتاً بر عهده یک کتابخانه‌های آموزشگاهی می‌تواند باشد، واژه‌ها و عبارتهای مبهم و نارسایی ذکر گردیده است.

۱- مقدمه:

چنانچه بپذیریم یکی از بهترین وظایف و اهداف آموزش و پرورش آماده ساختن دانش‌آموزان برای خودآموزی و حرکت به سوی نوعی یادگیری خودانگیز و نهایتاً خودسازی است، بحث پیرامون کتابخانه‌های آموزشگاهی و

نقش و اهمیت آنها ضرورتی ویژه می‌یابد. کسب عادت مطالعه به عنوان وسیله‌ای حیاتی در راه رشد و ارتقای افراد جامعه، یافتن روحیه تحقیق به معنی وسیع آن، حصول نگرش نقادانه نسبت به امور و پدیده‌های مختلف، با وجود چنین کتابخانه‌هایی دوام و قوام می‌یابد. کتابخانه آموزشگاهی به عنوان بازویی قوی در فعالیتهای آموزشی و پرورشی جایگاهی والا دارد. این سخن اغراق نیست که «آموزشگاهی که مجهز به کتابخانه فعال نباشد در واقع نیمی از وظیفه آموزشی خود را انجام نمی‌دهد.» (ایمن، ص ۱۴۲). فعالیتهای یک کتابخانه آموزشگاهی موفق با سایر فعالیتهای آموزشی چنان درهم آمیخته است که گاه از آن به عنوان «مرکز منابع آموزشی»، «مرکز مواد آموزشی» و «مرکز یادگیری» نام می‌برند.

به رغم تأثیر مهمی که کتابخانه‌های آموزشگاهی می‌توانند در جریان آموزش و پرورش داشته باشند، هنوز فلسفه وجودی و نقش و وظایف آنها در بدنه نظام آموزش و پرورش کشورمان بدرستی تبیین نشده است. مسئولین آموزش و پرورش ما به کتابخانه‌های مدارس به عنوان پدیده‌ای جنبی می‌نگرند که حداکثر نقش آن به پر کردن اوقات فراغت دانش آموزان محدود می‌شود و بر اساس همین نگرش برای آن سرمایه گذاری می‌کنند. بودن یا نبودن کتابخانه در مدارس علی‌السویه است و حتی هستند کسانی که عملاً در لزوم وجود آن شک دارند. تصویری که نتایج یکی از تحقیقات مربوط به این زمینه نشان می‌دهد گواه خوبی برایین مدعاست. طبق نتایج این تحقیق، کتابخانه‌های دبیرستانی مناطق ۲۴ گانه استان تهران:

- ۱- فاقد کتابدار با رده سازمانی است و عموماً مربیان پرورشی که دوره خاصی هم ندیدمانند آن کتابخانه‌ها را اداره می‌کنند.
- ۲- اکثر منابع مذهبی است و منابع داستانی و اجتماعی هم همین زمینه‌ها را دارند.
- ۳- فاقد کتب مرجع است و بیشتر کتب مرجع موجود را کتب تفاسیر

قرآن تشکیل می‌دهد.

۴- بودجه خاصی در دبیرستانها برای کتابخانه‌ها وجود ندارد.

۵- رده بندی وجود ندارد و اکثر کتابها از طریق دفتر ثبت قابل بازیابی هستند.

۶- استفاده از کتابهای کتابخانه‌ها بر حسب علائق شخصی است و به ندرت نیاز برنامه‌های آموزشی دانش آموزان را وادار به مطالعه می‌کند.

۷- مکان کتابخانه‌ها نامناسب و غیر قابل دسترس است.

۸- اغلب کتابخانه‌های دبیرستانی در اکثر موارد روز بسته است (باب

الحوائجی، ص ۳۱).

در شرایط کنونی، نظامهای آموزشی کشورهای پیشرفته به کتابخانه آموزشگاه بهای فراوان داده و از آن به درستی در راه پیشبرد اهداف آموزشی و پرورشی خویش استفاده میکنند. به عنوان مثال به مطلبی از گزارش هیئت اعزامی شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش کشور به استرالیا اشاره می‌کنیم:

...به مطالعه و خود آموزی توجه خاصی مبذول می‌گردد. کتابخانه مرکز فعالیتهای آموزشی خاصی است که بسته به نوع مؤسسه آموزشی دامنه آن متغیر است. در مدرسه ابتدایی و دوره اول دبیرستان مراجعه دسته جمعی دانش آموزان کلاس به همراه معلم خود به کتابخانه قسمتی از برنامه آموزشی را تشکیل می‌دهد و اصولاً کتابدار به عنوان معلم - کتابدارخواننده می‌شود و در پاره‌ای موارد بدون حضور معلم مربوطه دانش آموزان، کلاس را در کتابخانه آموزش می‌دهد، دروس مختلفی در کتابخانه به صورت جمعی یا فردی آموزش داده می‌شود. در سالهای بالاتر دانش آموزان از کتابخانه برای مطالعات فردی و تهیه گزارشهای مربوط به درس یا فعالیتهای فوق برنامه خود استفاده می‌کنند. کتابخانه‌ها به لحاظ مجلات و دیگر انواع

وسايل ارتباطي همانند ويدئو، اسلايد، ميكروفيش، نقشه‌ها و چارتهاي مختلف، فيلم و امثال آن نيز مجهز مي‌باشند. كتابدار با مشورت معلم كلاس مربوطه در ايجاد و پرورش علاقه به كتاب خواندن و مطالعه و آموزش چگونگي استفاده از منابع در دانش آموزان نقش عمده‌اي را ايفا مي‌كند. علاوه بر دانش آموزان معلمين نيز براي تهيه مطالب درسي از كتابخانه استفاده مي‌كنند. در مدارس متوسطه مورد بازديد در استراليا كتابخانه محل فعال و پرجنب و جوشي بود. (نفيسي، ص ۲۴۸)

همين منبع وضعيت كتابخانه‌ها را در مقطع ابتدائي کشور مزبور چنين توصيف مي‌کند:

... کتابخانه به عنوان يك مركز آموزشي در قلب مدرسه قرار گرفته است كه هم نشریات چاپي و هم منابع غير چاپي را در برمي‌گيرد. در كتابخانه مجموعه‌اي از نرم افزار و سخت افزارهاي كمك آموزشي نگهداري مي‌شود كه شامل صفحه، نوار، كيت‌هاي آموزشي، فيلم، ميكروفيلم، نقشه‌ها و پوستر مي‌گردد. «كتابدار - معلم» موظف است ساعتی از هفته را براي آموزش روش استفاده از كتابخانه به دانش آموزان مصروف دارد و علاوه بر آن مطابق نياز معلمين منابع آموزشي لازم را در اختيار آنان قرار دهد. (نفيسي، ص ۱۵۷)

بهر حال، از خلال اين نقل قولها و مثالهاي ديگر كه در متون معتبر موجود است و هر کدام ابعادي از مسایل آموزش و پرورش را در بر مي‌گيرند مي‌توان به ويژگيها و خصايص يك نظام آموزشي پيشرفته و از سويي به نظام آموزشي فعلي کشور پی برد. توجه به همين نارسايبها و كاستيهاي ديگري كه

با توجه به دگرگونی ارزشهای پذیرفته شده جامعه در نظام آموزشی مشاهده گردید، تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش را به عنوان یک ضرورت در پیش روی مسئولین نظام قرارداد، پس از چند سال مطالعه و بحث و بررسی و بازدید و... بالاخره برنامه تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش تدوین گشت و با اتمام مراحل نهایی مسایل مربوط به مقطع دبیرستان، قرار است که از سال تحصیلی ۷۱-۷۲ برنامه جدید در دبیرستانهای کشور به مرحله اجرا گذارده شود.

هدف از تحقیق حاضر که با روش تحلیل استنادی و نیز روش کتابخانه‌ای انجام شده، بررسی و سنجش توجهی است که انتظار می‌رود در طرح نظام جدید آموزش و پرورش نسبت به کتابخانه‌های آموزشگاهی صورت گرفته باشد. زیرا همانگونه که اشاره شد یکی از علل مهم عدم رشد کتابخانه‌های آموزشگاهی، نارسایی و نقص نظام فعلی آموزش و پرورش است. این انتظار را شاید بتوان در دو وجه خلاصه کرد. یکی آنکه کلیت نظام و شیوه‌های اتخاذ شده در روند آموزش بایستی به گونه‌ای باشد که استفاده از کتابخانه و اصولاً مطالعه مفید و در نهایت مطالعه آزاد را ترغیب و بلکه واجب نماید، و دوم آنکه جایگاه و فلسفه وجودی کتابخانه‌های مدارس بایستی صراحتاً در بدنه نظام مشخص گردد. در همین جا ذکر این نکته را لازم می‌دانیم که گرچه ابزار مورد استناد این تحقیق «طرح کلیات» است و حتی ممکن است عدم‌ای گمان کنند توجه به این مقوله در «طرح کلیات» نمی‌تواند و نباید جایی داشته باشد، ولی با توجه به مطالب پیش گفته عمدتاً بر این اعتقادیم که حساسیت نقش کتابخانه‌های آموزشگاهی و وظیفه‌ای که در جریان آموزش و پرورش حال و آینده افراد بر عهده می‌گیرند و در واقع خود گونه‌ای مستقل از آموزش و پرورش به شمار می‌آیند تا بدانجاست که این مقوله حتماً باید در همان مراحل اولیه و در کنار سایر مسائل بنیادی آموزش و پرورش به دقت مورد عنایت و توجه قرار گیرد. در عین حال این مبحث را بدون توجه به کلی بودن طرح و در مراحل آزمایشی بودن آن نباید نادیده گرفت.

۲- جایگاه کتابخانه‌های آموزشگاهی در طرح نظام جدید

این بحث با توجه به کتاب «طرح کلیات نظام جدید آموزش و پرورش» و در پی طرح دو سؤال زیر دنبال خواهد شد:

۱- آیا بافت کلی این طرح نیاز به کتابخانه‌های آموزشگاهی را ایجاب می‌کند؟

۲- آیا وجود کتابخانه‌های آموزشگاهی در طرح پیش بینی شده است؟ و اگر جواب مثبت است این پیش بینی چه نقشهایی را برای این نوع کتابخانه‌ها در نظر گرفته است؟

۱-۲- نیاز به کتابخانه‌های آموزشگاهی

به طور کلی مجوز حضور کتابخانه را در فعالیتهای آموزشی، ترکیب و ساختار کلی یک نظام آموزشی صادر می‌کند. به عبارت دیگر هر گاه بافت نظام به گونه‌ای باشد که برای دست یافتن به مقاصد و اهداف آموزشی و پرورشی، استفاده از کتابخانه به عنوان ابزاری ضروری اجتناب ناپذیر باشد، طبعاً میزان توجه به کتابخانه تا حد قابل توجهی، هم از سوی دانش آموزان و هم از سوی دست اندکاران آموزشی بالا خواهد رفت. در غیر این صورت کتابخانه، وصله‌ای ناچسب و گاه مزاحمی بدقلق بیش نخواهد بود.

در طرح کلیات نظام جدید، اهداف و اصولی وجود دارد که برای دست یافتن به آنها حضور کتابخانه (به معنای واقعی و با توجه به تعریف کتابخانه موفق) در نظام آموزشی امری ضروری به نظر می‌رسد، هر چند که از این ضرورت در موارد مربوطه به طور جدی، یاد نمی‌شود. به هر حال می‌توان در چارچوب کلی طرح، یعنی اهداف و اصول کلی آن و همچنین اهداف هر یک از مراحل چهارگانه و سیاستها و ویژگیهای آموزشی هر مرحله، موارد زیر را یاد آور شد:

(۱) تأکید بر مسئله تحقیق و پژوهش: در بخش اهداف کلی تعلیم و

تربیت اسلامی، ذیل اهداف علمی و آموزشی در بند ۱ می‌خوانیم: «تقویت روحیه حقیقت‌جویی تعقل، تفکر، تعمق، تحقیق، ابتکار و نقادی در تمام زمینه‌های اسلامی، فرهنگی، علمی و فنی» (طرح کلیات، ص ۴۶). همچنین در اصل شانزدهم، عدم وابستگی، بند ۱ می‌خوانیم: «توجه به تحقیق و پژوهش به عنوان ابزار موثر ایجاد زمینه برای نوجویی خلاقیت، و ابتکار» (طرح کلیات، ص ۵۶). و نیز در اصل بیست و پنج که مربوط به پرورش توان تفکر، نقد و ابتکار است، این چنین آمده است: «در تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی و پرورشی باید از شیوه‌هایی استفاده شود که توان تفکر و نقد و تحقیق، ابتکار و خلاقیت را تقویت کند و زمینه مناسب برای خود آموزی آنان را فراهم نماید» (طرح کلیات، ص ۶۰)

مسئله تحقیق با کتابخانه و استفاده از منابع پیوندی ناگسستنی دارند. هیچ کس نمی‌تواند با روحیه تحقیق و حقیقت‌جویی و پژوهش آشنایی پیدا کند مگر اینکه کتاب و کتابخانه را بشناسد. استفاده از دستاوردها و سیل اطلاعاتی که محققان دیگر در اختیار جامعه گذاشته‌اند، و اینها خود مبنای تحقیقات بعدی قرار می‌گیرند، پروراندن محقق به لحاظ استفاده از منابع تحقیقاتی، آشنایی با شیوه‌های صحیح مطالعه و... از جمله مسائلی است که جز با وجود کتابخانه میسر نمی‌شود.

شکی نیست که منظور از تحقیق در این مرحله از آموزش بیشتر ناظر بر نفس عمل و پروراندن این روحیه است و نه تربیت محقق حرفه‌ای، بنابراین بجاست که در همین دوران دانش آموزان با شکل صحیح و روند منطقی کار تحقیق و پژوهش به عنوان ابزاری مهم برای تحرك علمی و کسب آگاهی آشنا شوند. بخصوص آنکه این مطلب به صورت مشخص‌تری جزء اهداف سه مرحله ارکان، ارشاد و متوسطه فراگیر ذکر شده است. بند ۱۱ از اهداف مرحله ارکان مربوط به «پرورش روحیه خود آموزی تجربه، تحقیق و پژوهش در دانش آموزان» است (طرح کلیات، ص ۹۱) و بندهای ۸ و ۱۷ از اهداف مرحله

ارشاد به ترتیب چنین بیان می‌شوند: «تقویت ادبیات فارسی و آموزش روشهای صحیح مطالعه و تحقیق در تکمیل اهداف مراحل قبل» و «تقویت روحیه تحقیق و پژوهش و خود آموزی در دانش آموزان» (طرح کلیات، ص ۱۳). و بالاخره در بند ۲ اهداف شاخه متوسطه فراگیر، «تقویت روحیه حقیقت جویی، مطالعه، بررسی، تفکر، تعمق، تحقیق، نقادی و ابتکار» ذکر شده است. (طرح کلیات، ص ۱۱۳).

مسئله تحقیق تنها به دانش آموز ارتباط پیدا نمی‌کند، اگر مدرسه را محیطی پویا و معلم را فردی جستجوگر و عمل‌تعلیم و تربیت را جستجو بدانیم باید اذعان کنیم که معلم نیز در ارتباط با کار خود نباید از مطالعه و تحقیق کوتاهی بورزد. بند ۴ از اهداف مرحله ارکان و ارشاد برای نیل با این مقصود می‌گوید: «معلم در این دوره تمام وقت است و بخشی از وقت خود را صرف رسیدگی به دانش آموزان مخصوصاً دانش آموزان مشکل دار، تهیه مواد و منابع آموزشی، مطالعه و تحقیق و ارائه خدمات مشاوره‌ای به دانش آموزان و اولیاء و اجرای طرحهای ارزشیابی و برنامه‌های تجربی می‌نماید.» (طرح کلیات، ص ۹۱). حال آیا می‌توان تصور کرد معلم بدون در اختیار داشتن کتابخانه‌ای مناسب که در نزدیکترین محل شغلی او یعنی مدرسه قرار گرفته بتواند به هدف فوق (تهیه مواد و منابع آموزشی، مطالعه و تحقیق و ...) دست یابد. مسلماً پاسخ منفی است. معلم نیز باید علاوه بر دسترسی به کتابخانه با منابع مادی و انسانی آن آشنا بوده و روش برخورد با آنها را بداند.

۲) توجه به تعلیم و تربیت مستمر: استمرار در تعلیم و تربیت یکی از مسایلی است که بخصوص بعد از انقلاب اسلامی ذهن دست‌اندرکاران آموزش و پرورش را به خود معطوف ساخته است. لکن این استمرار بیشتر ناظر بر جدا نشدن دانش آموز از مدرسه طی سه ماه تابستان بوده است. در این سه ماه امور تربیتی بیشتر فعال شده و با برگزاری اردوها و برنامه‌هایی که کمتر در چارچوب برنامه زمان بندی شده مدارس طی نه ماه سال تحصیلی جای می‌گرفته

پرداخته است. در هر حال در طرح جدید، بند دوم از اهداف علمی و آموزشی را «تقویت روحیه تعلیم، تعلم و تربیت مستمر و تامین زمینه مناسب برای آن» تشکیل می‌دهد (طرح کلیات، ص ۴۶). اصل دوازدهم نیز مستقلاً تحت عنوان تعلیم و تربیت مستمر و رفع کاستیهای آموزشی اشعار می‌دارد: «تعلیم و تربیت تعطیل بردار نیست و نباید به زمان و مکان خاصی محدود شود. نظام آموزش و پرورش باید همراه با ایجاد انگیزه‌های لازم، بطور مستمر تسهیلات و امکانات مورد نیاز، جهت رفع نارساییها و کاستیهای تعلیم و تربیت افراد جامعه را فراهم آورد». (طرح کلیات، ص ۵۵). علاوه بر دانش آموزان، استمرار در تعلیم و تربیت کارکنان نکته قابل توجهی است که وجود آن در طرح پیش بینی شده است. اصل ۴۸ در این باره می‌گوید: «در نظام آموزش و پرورش تعلیم و تربیت مستمر کارکنان خاصه معلمان مورد توجه و تاکید خواهد بود و باید تسهیلات لازم برای آن فراهم گردد» (طرح کلیات، ص ۷۱).

استمرار در تعلیم و تربیت زمانی معنی واقعی خویش را پیدا می‌کند که سیطره آن بر لحظه به لحظه زندگی علمی و فرهنگی و پرورشی دانش آموزان به عنوان مواد خام یا داده‌های این سیستم و معلمان و دست اندرکاران آموزش و پرورش به عنوان پردازشگران این داده‌ها حاکمیت پیدا کند به عبارت دیگر عناصر فوق باید طوری جهت داده شوند که دائماً در برخورد با وقایع و پدیده‌ها در پی کسب معرفت باشند. چرا که «جامعه مادی امروز به آستانه فرهنگی غیر مادی - که در آن اطلاعات، آموزش و شناخت محور شده است - قدم گذاشته است ... نظام آموزشی زیر بار سنگین اطلاعات علمی احساس فشار شدیدی می‌کند، ساختارهای آن با پیشرفت علوم و تکنولوژی همزمانی ندارد و با شرایط تازه متناسب نیست. آموزش دستخوش تحول ژرفی شده است و باید در فراگرد گردش اطلاعات جذب شود و به صورت یادگیری مستمر و تعالی همیشگی نفس درآید. دولت موظف است در این حوزه بودجه بیشتری

صرف کند. همچنین باید هزینه آموزش در بودجه خانواده سهم مهمی داشته باشد زیرا مانند گذشته آموزش محدود به دوره خاصی از زندگی نیست، بلکه انسان باید سراسر عمر به آموختن مشغول باشد و مهمتر اینکه بیاموزد که چگونه بیاموزد» (پچی ص ۲۶۸).

از آنجا که کتابخانه‌ها در بردارنده دانش مضبوط بشری بوده و از سویی در این زمانه که مشخصه اصلی آن تولید انبوه اطلاعات است، تنها مکانی هستند که به جمع آوری، سازماندهی، و اشاعه این اطلاعات در سطوح گوناگون می‌پردازند، این توانایی را دارند که وسیله‌ای مهم و کارآمد در امر یادگیری مستمر باشند. بدین لحاظ لازم است نظام آموزشی برای تحقق اصل تعلیم و تربیت مستمر با این دید به سراغ کتابخانه‌ها برود، در حقیقت تاسیس و گسترش کتابخانه‌های آموزشی نسل آینده را برای رویارویی با این واقعیت آشنا می‌سازد که کسب دانش و سهم شدن در رشد علمی نوع بشر، منوط به استفاده مؤثر و کارآمد از گنجینه‌ای است که کتابخانه‌ها و مراکز اطلاعاتی آن را عرضه می‌دارند.

۳) روش تدریس: آن چنان که از اصول و بندهای طرح کلیات مستفاد می‌گردد، در روند یادگیری، اصل بر فعالیت خود دانش آموز گذاشته شده و حفظ نکردن صرف مطالب، تجربه و آزمایش و تحقیق، تفکر خلاق و ... مورد تاکید قرار گرفته است. اصل ۲۵، پرورش توان تفکر، نقد و ابتکار، در این زمینه می‌گوید: «در تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی و پرورشی باید از شیوه‌هایی استفاده شود که توان تفکر، تحلیل و نقد، ابتکار و خلاقیت را تقویت کند و زمینه مناسب برای خودآموزی آنان را فراهم نماید» (طرح کلیات، ص ۶۰). همچنین در بند ۱ از اصل ۳۳ آمده است: «به طور کلی شیوه آموزش و پرورش در اجرای برنامه‌ها شیوه فعال می‌باشد، تربیت معلمان برای آشنایی با این شیوه و تسلط چیرگی آنها در کاربرد آن در کلاس و در محیط آموزشی و فراهم کردن تسهیلات لازم برای به‌کارگیری این شیوه همواره

مورد توجه خواهد بود...» (طرح کلیات، ص ۶۴) و در بخش سیاستها و ویژگیهای دوره ارکان می‌گوید: «در تدوین محتوا تاکید بر مطالب و شیوه‌هایی است که قدرت فهم و استنتاج فرد را بالا می‌برد و در واقع کلیدهایی است که او را به مطالعه و آموزش مستقل توانا می‌سازد. مطالبی که فقط بر حافظه تاکید دارد جنبه فرعی خواهد داشت» (طرح کلیات، ص ۹۴).

در آموزش به روش فعال که مبنای آن فعالیت خود دانش آموز در برخورد با مسئله و یافتن راه حل است، کمیت و کیفیت تجربیات دانش آموز نقش مؤثری در پیشبرد تحصیلی‌اش خواهند داشت. کتابخانه با مواد متنوع آموزشی و اطلاعاتی‌اش در کنار سایر وسایل و امکاناتی که در اختیار او قرار خواهند گرفت (مثل آزمایشگاه، فضا‌های طبیعی، موزه‌ها و...) در شکل‌گیری این تجربیات و هدایت او به سمت خود آموزی سهم به سزا دارد. از سویی با توجه به هدایت دانش آموز به سمت مطالعه و آموزش مستقل، که خود نوعی الگوی تدریس - یادگیری است، و گاه از آن به خود آموزی یا یاد گرفتن چگونگی یاد گرفتن، یاد شده است، آموزگاران باید تجارب و فعالیتها را طوری طراحی کنند که دانش آموز بتواند به سهولت پس از طی یک برنامه مدون و منظم به سوی آزادی کامل در مطالعه و احساس مسئولیت در امر یادگیری پیش برود و خود شخصاً توانایی انتخاب مواد و شیوه‌های یادگیری را کسب کند. (یفما، طراحی، ص ۴). اجرای روشهایی که به تحقق این امر بینجامد بدون وجود کتابخانه مدرسه تقریباً غیر عملی یا حداقل بی‌هویت و تصنی بنظر می‌رسد.

۴) نقش معلم و کتابهای درسی: با نگاهی گذرا به نحوه فعالیت آموزگاران در نظام فعلی آموزش و پرورش آنان را فردی مسلوب‌الاختیار می‌یابیم که محکوم به منتقل کردن مثنی اطلاعات درست یا نادرست، متناسب یا نامتناسب، قدیم یا جدید بوده و باید تحت حاکمیت کتابهای درسی (که خود مسایل گفتنی فراوان دارند) سال تحصیلی را به انتها برسانند. در طرح

جدید، معنا بخشیدن به هویت واقعی معلم و نقشی که شایسته اوست و نیز تعدیل نگرش نسبت به کتابهای درسی، نکته‌ای است که بخوبی لحاظ گردیده است. در این نظام معلم به جای وسیله انتقال اطلاعات، در نقش یک راهنما برای دستیابی به آنها مطرح شده است.

فرضی که در این قضیه نهفته، آن است که معلم خود از یکسو به بازآموزی و خودآموزی می‌پردازد و از سوی دیگر در پناه دانش و تسلطی که از این راه بدست می‌آورد، دانش آموزان را راهنمایی و ارشاد می‌کند. در این زمینه بند دوم از اصل ۴۲، جایگاه معلم در نظام آموزش و پرورش می‌گوید: «هر معلم در کلاس خود باید نقشی فعال و تعیین کننده داشته باشد. و کتابهای درسی تنها به عنوان یک منبع معتبر درسی به کار گرفته می‌شود و نقشی در حد مشخص ساختن عناوین اصلی مطالب و موضوعات مشترک برای عموم دانش‌آموزان یک پایه را خواهند داشت. بدین ترتیب محتوای آموزشی هر کلاس با مشارکت دانش‌آموز در فرایندی سازنده از میان کلیه منابع مکتوب و متنوع موجود در محیط و فعالیت خلاق ذهنی و عملی معلم و دانش‌آموز تولید خواهد شد» (طرح کلیات، ص ۶۸).

در این موارد وجود کتابخانه مدرسه در یاری بخشیدن به معلم برای تعیین محتوای آموزشی و انتخاب منابع مناسب با توجه به متغیرهای گوناگون (از جمله شرایط محیطی، و تواناییهای دانش‌آموزان) از طیف گسترده مواد و نیز نوع روش مؤثر برای تدریس هر درس، کمک به دانش‌آموزان برای یادگیری عمیقتر، فراهم آوردن فرصتهای بیشتر برای تکمیل مطالعات در زمینه موضوعات محوری کتب درسی، کسب اطلاعات جدید و دلخواه و محدود نشدن به اطلاعات کتاب درسی و بالاخره تدارک فرصتهای لذتبخش در استفاده از کتابها و منابع دیگر بسیار ضروری می‌باشد.

۲-۲- پیش بینی وجود کتابخانههای آموزشی در طرح

در این قسمت به طور خلاصه آن اصول و بندهایی از طرح را متذکر می‌شویم که نام کتابخانه در آنها قید شده است. نگاهی اجمالی به مضمون این

اصول، میزان و نوع توجه شورای بنیادی تغییر نظام را نسبت به کتابخانه‌های آموزشی نشان خواهد داد.

۱) بند ۸ از اصل ۶ در ارتباط با پرورش می‌گوید: «در معماری واحدهای آموزشی فضای مناسب برای امور پرورشی باید در نظر گرفته شود مانند سالن اجتماعات جهت انجام امور تبلیغی، هنری، نمازخانه، کتابخانه‌ها، فضاهای ورزشی و غیره متناسب با سن دانش‌آموزان، همچنین ایجاد فضا و امکاناتی خارج از واحدهای آموزشی مانند کانونهای پرورشی، باشگاههای ورزشی و اردوگاهها متناسب با جمعیت و آمار دانش‌آموزان از جمله اقدامات ضروری است» (طرح کلیات ص ۵۳).

۲) بنا بر بند ۵ از اصل ۱۲، در ارتباط با تعلیم و تربیت مستمر و رفع کاستیهای آموزشی: «ظرفیتهای آموزشی مؤسسات دینی و فرهنگی جامعه از قبیل مساجد، حسینیه‌ها، موزه‌ها، پارکها، کتابخانه‌ها، تئاترها و امثال آن باید در جهت رفع کاستیهای آموزشی و پرورشی افراد مورد استفاده قرار بگیرد» (طرح کلیات، ص ۵۵).

۳) در بند ۶ از اصل ۱۳، در ارتباط با توزیع عادلانه امکانات چنین آمده است: «ایجاد امکانات بسیار کمک آموزشی از قبیل کتابخانه، آزمایشگاه، سمعی و بصری و تسهیلات پستی برای دسترسی مردم مناطق محروم به امکانات آموزشی لازم است» (طرح کلیات، ص ۵۶).

۴) در بند ۴ از اصل ۵۹، در ارتباط با توجه به اوقات فراغت می‌خوانیم: «فراهم نمودن فضا و تجهیزات لازم در مدرسه جهت اوقات فراغت شامل کتابخانه، نمایشگاه، ورزشگاه و سایر امکانات فرهنگی و هنری و نیز تأمین امکانات لازم در خارج از مدرسه از قبیل اردوگاههای تربیتی و ورزشگاهها و به ویژه کانونهای پرورشی و ورزشی» (طرح کلیات، ص ۷۵).

۵) در بند ۱، در ارتباط با فضای آموزشی و پرورشی مرحله ارشاد چنین می‌گوید: «مدارس ارشاد از فضای مناسب و خاص خود برخوردار خواهند بود. کتابخانه، موزه، کارگاه، فضای آزمایشگاهی و هنری و ورزشی مناسب

در هر مدرسه یا در جوار آن ایجاد می‌شود» (طرح کلیات، ص ۹۵).
 ۶) در بند ۳، از هدایت تحصیلی و شغلی در مرحله ارشاد چنین می‌گوید:
 «در سطح جامعه ایجاد مؤسسات فرهنگی - علمی مانند کتابخانه‌ها، موزه‌ها،
 نمایشگاه‌های مختلف، باغ‌وحش‌ها، مراکز پرورشی و امثال آن مورد پشتیبانی
 و تأکید قرار می‌گیرد و آموزش و پرورش به سهم خود در توسعه این قبیل
 مؤسسات در مناطق مختلف کشور فعالانه شرکت می‌جوید، علاوه بر آن در
 مدارس به ایجاد موزه و نمایشگاه دستاوردهای ورزشی، هنری، فرهنگی و
 علمی و نیز تاریخچه و سابقه خود مدرسه اقدام می‌نماید» (طرح کلیات، ص
 ۹۵).

۷) در بند و، در ارتباط با ویژگی‌های محتوا و برنامه‌های آموزشی و
 پرورشی دوران متوسطه، مورد چهارم چنین آمده است: «چون در شاخه
 فراگیر، آموزش خارج از مدرسه نیز طبق ضوابطی مجاز شناخته شده است،
 می‌توان مهارت‌های فراگرفته شده در کانون‌های پرورشی و هنری و مراکز
 فرهنگی و ورزشی جوانان، فعالیت‌های جبهه و بسیج، اردوگاه‌های تربیتی،
 کتابخانه‌ها و امثال آن را نیز مورد ارزیابی قرار داد و دانش‌آموزان را به
 استفاده از این کانون‌های پرورشی تشویق کرد» (طرح کلیات، ص ۱۱۶).

۲-۳- نقد و بررسی اصول مذکور در طرح در ارتباط با کتابخانه‌های آموزشگاهی

آن چنان که از یک طرح کلی انتظار می‌رود، تعیین رئوس مطالب،
 به‌کاربردن واژه‌های روشن و بی‌ابهام، جامعیت، ملحوظ کردن نظرات
 متخصصان در باب عناصر و اجزایی که در یک طرح کارکردی تخصصی
 دارند، سنجیدن امکانات بالقوه و بالفعل برای به‌اجرا درآوردن مطالب طرح از
 جمله مسایلی است که باید مدنظر باشند.

در بررسی اصولی که در طرح، مربوط به کتابخانه‌های آموزشگاهی است

و بخش عمده‌ای از این اصول در قسمت پیش آورده شد، همین طور در بررسی اصول دیگر نکاتی حاصل می‌شود که در مجموع نشان دهنده آن است که احتمالاً مشکلات کتابخانه‌های آموزشی کماکان به قوت خود باقی خواهد بود. اهم مسایل مزبور به شرح زیر است:

(۱) در ۶ مورد از ۷ مورد ذکر شده در قسمت ۲-۲ به نحو خاص و در عین حال اغراق آمیزی کتابخانه‌های آموزشی از نظر فضا مورد توجه قرار گرفته شده است. توجه به فضای کتابخانه گرچه نکته بسیار با اهمیتی است، و از این نظر جای سپاس دارد که مورد توجه طراحان قرار گرفته، لکن فضا تنها مشکل کتابخانه‌های آموزشی را تشکیل نمی‌دهد. پرورش نیروی انسانی، فراهم آوردن انواع موادی که باید در کتابخانه‌ها جای گیرد، رابطه دانش‌آموزان و آموزگاران با کتابخانه و کتابدار، و مسئله مهمتر وظیفه و عملکرد این کتابخانه‌ها در جریان آموزش به بوته فراموشی سپرده شده است.

(۲) اصول و بندهایی که در ارتباط با مقوله مورد بحث صحبت کرده‌اند، بیشتر بعد پرورشی کتابخانه را مورد نظر قرار داده‌اند و در نتیجه از سایر ابعاد آن بخصوص ابعاد آموزشی و اطلاعاتی آن غفلت شده است. از آن جمله می‌توان به بند ۸ از اصل ۶ و بند ۴ از اصل ۵۹ اشاره کرد که کار کتابخانه را مستقیماً در ارتباط با اوقات فراغت و امور پرورشی در نظر می‌گیرند. به عبارت دیگر هنوز این نگرش که کتابخانه آموزشگاه، مکانی برای وقت‌گذرانی است و در کل نظام آموزشی یک وظیفه جنبی دارد همچنان به قوت خود باقی است.

(۳) برای تحقق اصل استمرار در تعلیم و تربیت علاوه بر بند ۵ اصل دوازدهم (تعلیم و تربیت مستمر و رفع کاستیهای آموزشی)، اصول زیر نیز ذکر شده که حایز اهمیت و البته قابل نقدند:

- بند ۲ از اصل ۴۸: «ایجاد بانک اطلاعاتی در موضوعات علمی مربوط به دروس و سطوح تحصیلات مختلف با هماهنگی گروههای آموزشی مربوط و

دانشگاههای تربیت معلم هر منطقه به نحوی که برای همه معلمان به ساده‌ترین شکل قابل دسترسی باشد ضرورت دارد» (طرح کلیات، ص ۷۱).

- بند ۳ از اصل ۴۸: «مجلات تخصصی و عمومی حاوی آخرین اطلاعات علمی و حرفه‌ای در دسترس معلمان قرار گیرد» (طرح کلیات، ص ۷۱).

- بند ۱۰ اصل ۴۸: «جهت تبادل تجربیات و کسب اطلاعات و توسعه دانش معلمان باید تسهیلات لازم ایجاد گردد» (طرح کلیات، ص ۷۱).

در این بندها چند نکته قابل توجه‌اند: یکی آنکه طرح برای تعلیم و تربیت مستمر دانش‌آموزان، کتابخانه‌های آموزشی را به عنوان یک رکن اساسی و ابزاری کلیدی در تحقق این اصل به رسمیت نمی‌شناسد. یعنی فقط بند ۵ اصل دوازدهم است (نگاه کنید به بند ۲ بخش ۲-۲ همین مقاله) که اشاره به استفاده از کتابخانه‌ها دارد، و منظور از کتابخانه‌های سطح جامعه هستند. و این خود موجب دو ابهام است، یکی آنکه منظور از کاستیهای آموزشی و پرورشی چیست؟ که مکانهای مورد اشاره در این بند باید در جهت رفع آنها مورد استفاده قرار بگیرند؟ وانگهی مگر همه اینها دارای عملکردهایی مشابه هستند که به یک میزان مورد توجه قرار گرفتند؟ ابهام دوم آنکه منظور از کتابخانه‌های سطح جامعه، کدام کتابخانه‌ها هستند؟ عمومی، دانشگاهی، تخصصی؟ هر کدام را که در نظر بگیریم مسایل و مشکلات خاص خود را دارند به نحوی که نتیجه یکی است: عدم استفاده دانش‌آموزان از این کتابخانه‌ها، و بالاخره این سؤال به قوت خود باقی می‌ماند که آیا خود آموزش و پرورش نباید فکری اساسی و تعهدی جدی در این زمینه داشته باشد؟

نکته دوم آنکه منظور از به کار بردن واژه‌های مبهمی همچون «بانک اطلاعات» یا «تسهیلات لازم» در بندهای ۲ و ۱۰ چیست؟ یا تشخیص «آخرین اطلاعات علمی و حرفه‌ای و سپس وظیفه در دسترس گذاشتن مجلات تخصصی و عمومی» بر عهده کیست و از چه طریق باید انجام شود؟ به نظر

می‌رسد آن وظیفه‌ای را که طراحان نظام جدید در قالب واژه‌های فوق خواست‌مانند بیان کنند در مفهوم «کتابخانه‌های آموزشی» نهفته باشد که متأسفانه به هردلیل از اشاره به این مفهوم خودداری شده است. در مجموع این نکات به ما امکان می‌دهد که ادعا کنیم دست‌اندرکاران این طرح تصویری واقعی از عملکرد و وظایف کتابخانه‌های آموزشی نداشته یا حداقل از یک نقطه نظر تخصصی و علمی با آن برخورد نکرده‌اند.

۴) در بررسی اصول و بندهای مربوط به شیوه‌های آموزشی نیز کاستیهایی به چشم می‌خورد. مثلاً در بند ۵ از ویژگیها و سیاستهای آموزشی و برنامه‌ریزی درسی مرحله ارکان می‌خوانیم: «به منظور اجرای روش تدریس فعال در هرکلاس دوره ارکان ابزارهای آموزشی لازم (کتب مرجع، وسایل ساده آزمایشگاهی، وسایل و ابزار آموزش هنر و ...) در اختیار کلاس قرار خواهد گرفت» (طرح کلیات، ص ۹۱)

در هر حال ضمن آنکه این بند در توجیه وجود کتابخانه‌های آموزشی نارساست جای این سؤال را باقی می‌گذارد که این کتب از چه طریق و با چه مکانیسمی در اختیار کلاس قرار می‌گیرد؟

همچنین در بند دوم از روشهای آموزشی و پرورشی می‌خوانیم: «در آموزش هر درس به تناسب موضوع از کارگاه، آزمایشگاه، کارهای تجربی و عملی، مطالعه و تحقیق و بررسی، بازدید و نظرخواهی و مصاحبه و طرق مناسب دیگر که از یک طرف هماهنگی مغز و دست و از طرف دیگر همراهی علم و عمل را تسهیل نماید، استفاده می‌شود» (طرح کلیات، ص ۹۴). در مقطع متوسطه نیز گنجانیدن درسی در درسهای مشترک که طی آن دانش‌آموز به سمت تسلط در خودآموزی و استفاده از منابع و اطلاعات پیش می‌رود پیشنهاد شده است (طرح کلیات، ص ۱۱۵). اما گویی برای تحقق این بندها وجود کتابخانه از ضروریات به شمار نمی‌آید که ما در این قسمت از طرح اشارهای اصولی و کلی حاکی از ایجاد و سازماندهی آنها نمی‌یابیم. شعاع این مسئله را

حتی می‌توان تا بخش مربوط به تحقیق و مطالعه... توسعه داد. زیرا همچنان که گفته شد، طرح بر مسئله تحقیق از سوی دانش‌آموزان به شدت صحنه گذاشته است لکن در همان بخش نیز ما به نشانه‌ای دال بر ایجاد و توسعه کتابخانه‌های آموزشگاهی به گونه‌ای روشن و واضح نمی‌یابیم.

۵) متأسفانه از نقش کتابخانه‌های آموزشگاهی در ارتباط با اولیا نیز در طرح صحبتی به میان نیامده است. با پذیرفتن این نکته که ارتباط خانه و مدرسه صرفاً به ارائه کارنامه آموزشی و پرورشی دانش‌آموز، دریافت کمک‌های مالی یا چند جلسه سخنرانی در طی سال خلاصه نمی‌شود و اولیا علاوه بر اطلاع یافتن از وضع آموزشی دانش‌آموز خود باید آگاهی‌های وسیع‌تری نسبت به مسایل تربیتی تعلیم و تربیت داشته باشند، می‌توانیم نقش کتابخانه را در این مورد تا حد زیادی مورد بحث قرار دهیم. اولیا در سطوح گوناگونی از تخصص و سواد و بینش نسبت به مسایل تربیتی قرار دارند و کتابخانه می‌تواند برای ارتقا این سطوح نقش مؤثر و کارآمدی داشته باشد. همچنین در فعالیتهای دیگری از قبیل مسئله سوادآموزی اولیا بیسواد نیز می‌توان از کتابخانه‌های آموزشگاهی بهره بسیار گرفت. در این مورد نیز طرح با وجود آنکه در بند ۴ از اصل هفتاد و چهارم (ارتباط خانه و مدرسه) مسئله سوادآموزی اولیای بیسواد را مورد اشاره قرار می‌دهد، لکن از توان بالقوه کتابخانه‌های آموزشگاهی در این رابطه هیچ صحبتی به میان نیامده است.

۳- نتیجه گیری

با توجه به مجموعه مطالبی که گفته شد، موارد زیر را می‌توان به عنوان

نتیجه ذکر کرد:

۳-۱- کتابخانه‌های آموزشگاهی در هر نظام آموزشی منطقی که مبتنی بر

یافته‌های علمی در مورد یادگیری و پرورش دانش‌آموزان است نقشی غیر قابل انکار دارند. این نقش برخاسته از نظریه یاددادن و یادگیری در فراگرد

آموزش است.

۲-۳- کتابخانه‌های آموزشی در کشور ما خواسته یا ناخواسته رشد نکرده و تأثیر محسوسی در روند یادگیری نداشته‌اند. یکی از دلایل مهم این امر وجود نقصان در نظام فعلی آموزش و پرورش کشور است.

۳-۳- در بررسی اصول نظام جدید آموزش و پرورش می‌توان دریافت که ساختار آن استفاده از کتابخانه‌های آموزشی را القا می‌کند. توجه بسیار به مسئله تحقیق و پژوهش، تعلیم و تربیت مستمر، به کار گرفتن شیوه آموزشی فعال، نقش معلم و نگرش منطقی به کتابهای درسی و جایگاه آنها گواه این مطلب هستند.

۴-۳- در طرح کلیات نظام جدید آموزش و پرورش اصولی که به صراحت از وجود کتابخانه‌های آموزشی صحبت کند و جایگاه آن را در پیاده سازی مجموعه‌ای از اهداف و سیاستهای آموزش و پرورش بیان کند به چشم نمی‌خورد.

۵-۳- در اصولی که از کتابخانه‌های آموزشی اسم برده شده نگرشی همه جانبه و دقیق و روشن وجود ندارد. بدین ترتیب در بسیاری از این اصول کتابخانه از نظر فضا و انجام یک نقش پرورشی و صرفاً به عنوان وسیله‌ای برای گذران اوقات فراغت مورد توجه قرار گرفته است.

۶-۳- در مواردی که برای اجرای اصول و بندهای طرح جدید نیاز به مکانی برای گردآوری منابع، تبادل اطلاعات، ارتقای سطح علمی آموزگاران و دانش آموزان از طریق منابع مکتوب و... احساس شده است، با واژه‌های مبهمی مثل بانک اطلاعات، کتب مرجع و... مواجه هستیم. به عبارت دیگر به نظر می‌رسد توافقی جدی برای ایجاد کتابخانه‌های آموزشی با اسلوبی علمی و دقیق وجود ندارد.

۴- پیشنهادات

مطالب زیر نیز به عنوان مسایل پیشنهادی، هنگام تدوین برنامه‌های مربوط به کتابخانه‌های آموزشی در نظام جدید آموزش و پرورش ذکر می‌شود:

۴-۱- تعریف و مشخص نمودن دقیق اهداف و وظایف کتابخانه‌های آموزشگاهی در آستانه تغییر نظام آموزشی کشور گام مثبت و مفید و در عین حال ضروری است که حرکت مستمر و روشن این کتابخانه‌ها را در آینده ترمیم می‌کند.

۴-۲- بهتر است در نظام جدید، حتی المقدور کتابخانه‌های آموزشگاهی از پوشش معاونت پرورشی وزارتخانه خارج شوند. این امر به چندین دلیل پیشنهاد می‌شود نخست آنکه قرار گرفتن کتابخانه در حوزه معاونت پرورشی لاجرم به تقویت این دید که وظیفه کتابخانه آموزشگاهی تنها وظیفه‌ای پرورشی و تربیتی است، می‌انجامد و بالمال آموزگاران و کادر آموزشی مجال می‌یابند تا با استفاده از همین بهانه نقش خود را در پیشبرد و تقویت کتابخانه نادیده بگیرند و کلیه مسایل مربوط به کتابخانه تنها به عهده مربی تربیتی یا در بهترین حالت بر دوش کتابداری باشد که از سوی همین معاونت منصوب می‌شود، در حالی که با توجه به آنچه گذشت کتابخانه علاوه بر مسئولیت پرورشی، وزنه سنگینی در جهت ارتقای کیفیت آموزشی مدارس نیز به شمار می‌رود. دوم آنکه در نمودار سازمانی مربوط به معاونت پرورشی کتابخانه با چند حلقه واسط و گاه بی ربط و غیر ضروری قرار گرفته است. مثلاً چه دلیلی دارد که کتابخانه آموزشگاهی در پوشش کارشناسی ادبی و آن هم در پوشش دفتر فرهنگی و هنری قرار بگیرد. سوم آنکه تنوع و گوناگونی و فراوانی وظایف معاونت پرورشی به حدی است که مسئله کتابخانه و کتابداری آموزشگاه که این نیز دارای حجم زیاد و پیچیدگی‌های خاص خود است در آن کم می‌شود. بدین جهت پیشنهاد می‌شود در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، در کنار دفتر تکنولوژی آموزشی، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی و ... دفتری نیز مستقلاً بنام دفتر امور کتابخانه‌های آموزشگاهی تأسیس شود. در این حالت ضمن رفع تقریبی مسایل فوق، استقلال لازم و سرعت بیشتری در جریان ایجاد و گسترش و اداره کتابخانه‌های آموزشگاهی پیش

می‌آید از طرفی سنخیت و ارتباط بیشتری به لحاظ نوع کار میان این دفتر و دفاتر موجود در این سازمان از قبیل دفتر انتشارات کمک آموزشی یا دفتر تکنولوژی آموزشی وجود خواهد داشت. وانگهی تأسیس این دفتر کلیه فعالیتهای مربوط به کتابخانه‌های آموزشگاه را که اکنون زیر نظر معاونت پرورشی، دفتر انتشارات کمک آموزشی، انجمن اولیا و مربیان و ... انجام می‌شود متمرکز می‌کند.

۳-۴. کتابخانه‌های آموزشی فعالی شکل نخواهند گرفت مگر با آموزش و پرورش نیروی انسانی در زمینه کتابداری آموزشگاه. کار در کتابخانه‌های مدارس دارای ظرایف و ویژگیهای خاصی است که حتماً و حتماً باید در آموزشهای بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت و طی دوره‌های بازآموزی، به علاقمندان کار در کتابخانه‌های آموزشی منتقل گردد. بدیهی است این آموزشها باید بر مبنای یافته‌های علمی رشته کتابداری و توسط اساتید فن استوار باشد.

۴-۴. نحوه تدوین کتابهای درسی یک عامل مهم در واداشتن و ترغیب دانش آموزان و حتی آموزگاران به سوی مطالعه مفید و استفاده از کتابخانه و منابع اطلاعاتی است. هرچقدر کتابهای درسی انعطاف پذیری بیشتری داشته باشند و به جای ارائه یک سری مطالب آماده، به ارائه خطوط کلی و طرح مطالب بپردازد و سپس با فعالیتهای جنبی و از جمله مطالعه مقید از دانش آموز بخواهد که به تکمیل آن مطالب بپردازد، در انجام وظیفه واقعی خویش موفق تر خواهد بود. در این راستا معرفی منابع و مآخذ و نیز متون مناسب برای خواندن بیشتر در پایان هر بحث یا هر فصل از کتاب درسی کار ارزنده‌ای خواهد بود که باید انجام گیرد. مسلماً این تنها یک جنبه از نکات مربوط به تدوین کتابهای درسی است.

۴-۵. هم چنانکه در خود طرح هم اشاره شده جای تحقیق و پژوهش در مراکز تربیت معلم خالی است و آنچه واقعاً وجود دارد تکرار مکررات همان

کتابهای دبیرستانی است. (طرح کلیات، ص ۲۱). تا آنجا که به این تحقیق مربوط می‌شود وضعیت کتابخانه‌های این مراکز نیز بسیار نامطلوب و عملاً غیر قابل استفاده است. از معلمی که تحت این شرایط پرورش می‌یابد واقعاً چه جای انتظار که دانش آموزانی خلاق، محقق، کنجکاو و با مطالعه تحویل جامعه دهد؟ از این رو، در چارچوب برنامه‌های جدیدی که برای بهبود شیوه‌ها و وضعیت آموزش در این مراکز تدوین خواهد شد، بررسی جدی کتابخانه‌های مراکز تربیت معلم و گنجاندن برنامه‌هایی که به آشنا کردن آموزگاران با شیوه استفاده از کتابخانه و منابع اطلاعاتی بینجامد، باید مورد توجه قرار گیرد.

۶-۴- تجهیز و سازماندهی اصولی کتابخانه‌های مناطق و مراکز استان نیز فعالیت عمده دیگری است که باید انجام گیرد. این کتابخانه‌ها به عنوان پشتیبان و تغذیه کننده کتابخانه‌های مدارس و نیز به عنوان مراکز هماهنگ کننده و جهت دهنده فعالیت کتابخانه‌های مدارس در سطح کشور عمل خواهند کرد و راه را برای برنامه ریزی و اجرای شبکه کتابخانه مدارس هموار خواهند نمود.

۷-۴- توجه به مدیریت واحدها و دفترهای عمده‌ای که در ارتباط با کتابخانه‌های آموزشگاهی فعالیت خواهند کرد. مسئولین آموزش و پرورش ما باید توجه داشته باشند که کتابداری جدید مبنایی اصولی و علمی دارد و دهها سال است که این اصول به عنوان یک رشته دانشگاهی در سطح مدارس آموزش عالی تدریس می‌شوند، کتابشناس خوب الزاماً کتابدار خوبی نیست و بنابراین توجیه مناسبی نخواهد بود اگر بگوییم مثلاً مدیریت رسیدگی به وضعیت کتابخانه‌های مدارس با کتابهای کودکان یا بزرگسالان آشنایی کافی دارد و به آنها علاقه مند است و این مجوز صدور مدیریت او شود. مدیریت این واحدها را باید به شخصی صاحب صلاحیت که در رشته کتابداری تحصیل کرده و تخصص دارد و در کار کتابخانه‌های آموزشگاهی نیز تجربیات مفیدی

- اندوخته و مهمتر آنکه قدرت مدیریتش به اثبات رسیده و گذار کرد.
- ۸-۴- برنامه ریزی دقیق و صحیح برای زمان استفاده از کتابخانه و گنجاندن دروسی که مهارتهای لازم و اولیه را در استفاده از منابع کتابخانه می‌سازد در برنامه‌های تحصیلی مدارس.
- ۹-۴- برنامه ریزی و پیش بینی چگونگی استفاده از نیروی اولیا برای کمک در تقویت کتابخانه‌های مدارس و نیز ایجاد برنامه‌های لازم برای ارتقای سطح آگاهی این افراد جهت گسترش فرهنگ کتاب و کتابخانه و مطالعه و ایجای نگرش مثبت در آنان به لحاظ استفاده فرزندانشان از کتابخانه.
- ۱۰-۴- استفاده مؤکد از متخصصان علوم کتابداری و اطلاع رسانی برای طراحی و تصمیم گیری، اجرا و کنترل برنامه‌های مربوط به رشد و توسعه و ترویج کتابخانه‌های آموزشی بخصوص هنگام تدوین جزئیات طرح نظام جدید آموزش و پرورش.

یادداشت: یک کتابخانه موفق آموزشی، کتابخانهای است که علاوه بر انتخاب و گردآوری منابع مناسب و مورد نیاز جامعه استفاده کننده خویش به طور اصولی و صحیح شامل موارد زیر باشد: سازماندهی منطقی، بطوری که دسترس پذیری استفاده کنندگان را آسانتر سازد؛ امانت این مواد به گونه‌ای نظام یافته؛ و بالاخره برقراری ارتباط مناسب، به صورتی که تمایل و رغبت مراجعان بالقوه و بالفعل را برای استفاده از کتابخانه برانگیزاند. چنین کتابخانهای باید در خدمت برنامه‌های آموزشی مدرسه قرار گرفته و از طرفی در تغذیه روحی و فکری استفاده کنندگان و هدایت آنان به سوی کسب معرفت سهم به سزا و شایسته داشته باشد.

منابع

ایران. وزارت آموزش و پرورش، ستاد اجرایی تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش، طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران مصوب شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش. تهران: وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۷

ایمن (آهی)، لیلی، میرهادی، توران دولت آبادی، مهدخت، گذری در ادبیات کودکان، تهران: شورای کتاب کودک، ۱۳۵۲

باب‌الحوادثی، فهیمه، علل عدم تداوم و پویایی کتابخانه‌های دبیرستانی در ایران.

پایان نامه کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع رسانی، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی، ۱۳۶۶، ۳۴۵ص. استاد راهنما: ثریا قزل ایاغ.

پچی، آنورلیو، و دیگران، جهان در آستانه قرن بیست و یکم، ترجمه علی اسدی، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۷.

نفیسی، عبدالحسینی، آموزش و پرورش در ژاپن و استرالیا، تهران: وزارت برنامه و بودجه، مرکز مدارك اقتصادی و اجتماعی - انتشارات، ۱۳۶۶.

یغما، عادل. "طراحی آموزشی". رشد تکنولوژی آموزشی، دوره ۵، شماره ۵ (آذر ۶۸)، ۳-۵.

_____ "مرکز یادگیری". رشد تکنولوژی آموزشی، دوره ۶، شماره ۶ (آبان ۶۹): ۲-۳.